

علم هیئت

۹ - علم هیئت
علم هیئت در ایران باستان بسیار مورد توجه بوده و علم احکام و ستاره شناسی در زمانهای پیشین علوم پیوسته بود. مغان که روحانیان ماد و پارس بودند و شهرت برای پیشگویی داشتند^۱ در علم هیئت نیز دارای مهارتی بسزا بودند^۲.

احترام آفتاب و ماه و ستارگان نیز در کیش ایران باستانی جای آفتاب و ماه و ستارگان
جای مهمی داشته^۳ و در این کتاب نیز جابجا بآن امر اشاره گردیده است. حتی بعضی از یونانیان بهمان درجه در کیش زردشتی

۱ - دیوژن لائرتیوس Diogenes Laertius که از مهمترین منابع باستانی راجع بآئین زردشتی و مغان است گفته: «ارسطو گوید که منی از سوریه به آن آمده سقراط را، در ضمن امور دیگر، آگاهانید که وی بطور وحشتناکی خواهد مرد». Diog. Laert. II:45.

واقعه دیگری که مؤید استعداد مغان در فهم و درک مستقبلات بواسطه ملاحظه حرکات اجرام سماوی و حکم بتائیرات آنها در این عالم بود، موضوع پیشگویی تولد مسیح، مطابق شرح متی (۲:۱-۲۱) میباشد که بر طبق آنمذعا مغان ستاره او را در مشرق تمیز داده و راهنمایی آن نایزایشگاه طفل رسیدند. برای توضیح این مسئله دورای و بود دارد. یکی آنکه شاید ستاره ای دنباله دار بوده و در جاتی که طفل بوده ایستاد (متی ۲:۹). دوم اینکه مقارنه مشتری و رحل در برج حوت بوده و مریخ و ستاره درخشان دیگری نیز با ایشان بوده است. منجمین یهود گمان مبداهفته اند که چنین مطلبی و همچو مقارنه ای در زمان ولادت موسی واقع شده و در زمان ولادت عیسی نیز که موعود آنها بوده واقع خواهد شد. نخستین کسی که این گفته را مسام داشته کیلر است (۱۵۷۱-۱۶۳۰ میلادی) که بر این رای بود و در دهم نشرین اول سال ۱۳۰۴ رصدی را دیده ستاره ای مشاهده کرد که مشتری، مریخ و رحل مقارنه نمود. پس از تحقیق بنز معلوم گردید که چنین امری ۱۶ یا ۱۷ سال پیش از تولد مسیح دوبار اتفاق افتاده و چون تاریخ مسیحی معمولی کنونی چهار سال دیرتر از تاریخ حقیقی است علیهذا با اولین مقارنه مسطوره که مغان شرقی آنرا در مرز و بوم خود دیده بودند و ظهور بعدی آنرا ملاحظه نموده مطابق یافته اند و «حساب آن با حساب منجمین متعدد مقابل در آمده». رجوع شود بفرهنگ قاموس کتاب مقدس ترجمه و تالیف مسترها کس امریکائی (بیروت ۱۹۲۸) ص ۴۶۹-۴۷۰.

۲ - ERE, 12:85 A.

۳ - Article on Zoroastrianism in ERE.

تعلیم و تربیت ایران باستان

که زردشت را دانا گس و پیامبر میدانستند و براستاره شناس و ستاره پرست نیز میانگاشتند ۱. همچنین ادبیات زردشتی و ایرانی پس از قرن هفتم میلادی ۲ نیز اشارات بسیار در پیرامون علم هیئت دارد.

اصول هیئت ایرانیان باستانی مبتنی بر نگرش مرکزیت زمین
مرکزیت و کرویت
زمین

بود ۳. در اوستا اشاره ای بکرویت زمین موجود است و صفت «سکارنا» بمعنی گرد ۴ یا سپهری ۵ برای زمین در باستانی ترین قسمت آن بکار رفته ۶ و تحقیق پیوسته که کرویت زمین راستاره شناسان ایرانی دریافته بودند ۷.

بنابر عقیده ایرانیهای قدیم آسمان بر فراز زمین قرار گرفته
زمین و آسمان
و بعینه تخم مرغی را ماند که در درون آن زمین بدان زرده قرار دارد ۸. در گرداگرد زمین سپهر یا ویواست ۹ و در فراز آن آسمان ۱۰ و در ماوراء آن روشنائی بی پایان است ۱۱. شرح درازتر این موضوع در بخش پنجم این کتاب در جای خود بیاید.

۱ - Diog. Laert. *Proem* 4:9, & Plat Alc 1:22, Also A.V. W. Jackson's *Zoroaster the Prophet of Ancient Iran*, (N. Y. 1899) p. 226-273.

۲ - در کتاب ندهش و کتاب یهلوی دیگر نام مینگ خرب (مبسوحرد) اشارات بسیار راجع علم هیئت موجود است.

۳ - Geocentrique.

۴ - Skarena.

۵ - Scpehri = Spherique.

۶ - یشت ۳۸:۵ و ۹۵:۱۰ و ۱۹:۱۷.

۷ - بعضی از محققین را عقده اینست که (مؤلفین دیر تراوستا) شاید در زیر نفوذ بطلمیوس واقع شده بودند (ERE 12: 3)

۸ - دینکرد ۷۲:۳ (چاپ سحانا بیبی ۱۸۷۶)

۹ - ویو Vayu یا آتموسفر.

۱۰ - در اوستائی آسمان و در یهلوی آسمان گویند.

۱۱ - در اوستائی روشنائی بی پایان را ایرارتیجا Anyra ra'ca گویند. رجوع شود به : Casartelli, *La Philosophie Religieuse de Mazdeisme* (Paris 1884) E. tr. p. 107.

گاهنمای اوستائی و پارسی

گاهنمای باستانی ایرانیها دو گونه بوده یکی اوستائی و دیگری پارسی . بر طبق گاهنمای اوستائی سال بدوازده ماه تقسیم میشده و هر ماه سی روز داشته و در پایان هر سال بعدد ۳۶۰ روز پنج روز « گاه » یا « اندر گاه » افزوده میشده . برای چهار يك روز که در هر سال گم میشد در پایان هر صد و بیست سال ماهی طرح مینمودند .^۱

۱۰- گاهنمای اوستائی و پارسی

گاهنمای باستانی پارسیها با گاهنمائی که گفته شد فرق کلی داشت و تنها نه ماه آن در سنگ‌وشته‌های داریوش نام برده شده . سال نو باستانی پارسیها ظاهراً در آبانماه (باغ ایادی) آغاز مینموده و نه در هنگام بهار بسان گاهنمای اوستائی . ظاهراً تقویم پارسیها بتقویم اصلی آریائی نزدیکتر بوده و قدیمتر از تقویم اوستائی است . گاهنمای اوستائی بکلی مذهبی است^۲ و شرح آن در ملحقات اینکتاب بیاید .

اختلاف میان گاهنمای پارسی و اوستائی

داریوش بزرگ در آغاز شاهی خود تقویم پارسی را بکار میبرده و بنا بر تحقیقات کویناک^۳ میان سالهای ۴۷۷ و ۴۲۴ پیش از میلاد تقویم مصری رهنمای اصلاح گاهنمای نوین گردید . داریوش همچنانکه پیشرفت طب و علوم طبیعی را تشویق نمود بتحقیقات علمای علم هیئت در کشور شاهنشاهی نیز توجه داشت و کجکاورها و مطالعات مهم نجومی نبوری من نو^۴ منجم بزرگ

تأثیر گاهنمای مصری در اصلاح گاهنمای ایران

۱۱- توجه پیشرفت علم هیئت

۱- برای بحث موضوع گاهنمای اوستائی و پارسی رجوع شود بمقاله جامع استاد لوئی کری (دانشگاه کلمبیا) در « مطالعات وردشتی » بزبان انگلیسی (نیویورک ۱۹۲۸) صفحات ۱۲۴-۱۳۰ و مراجع تفصیلی که راجح باین موضوع در صفحه ۱۳۱ همان کتاب گرد آورده شده .

۲- West, *Aculemy*, 49:348, SBE. 47 Introd, p. 42-47.

۳- Cavaignac, A. *Note Sur l'origine du Calendrier Zoroastrien*, JA. 202 (1923) 108-110.

۴- Nabu-rimannu در نزد یونانیها به نبوریانس Naburianos مشهور بود .

تعلیم و تربیت ایران باستان

کلدانی در تحت حمایت و تأمین داریوش بزرگ در بابل دنبال گردید ۱ .

۱ - ستاره شناسی در آشور و بابل دنباله مشاهدات نجومی است که از زمان شاهان سومر و آکاد Sumer & Akkad در بیست و سه قرن پیش از میلاد در جریان بوده است . بر طبق حسابهای یکی از علمای هیئت معاصر (برسند «زمانهای قدیم» ص ۲۷۱) در سال ۲۲۸۳ پیش از میلاد کسوف ماه بوقوع پیوست و ستاره شناسان سومر و آکاد آنرا مشاهده کرده و مورد مطالعه قرار داده بودند : ار همان زمان مشاهدات سماوی تدریجا دنبال میشد تا سنه ۷۴۷ پیش از میلاد در زمان نبونزر پادشاه بابل که سلسله مشاهدات نجومی در تحت نظم و مراقبت خاص علمی در آورده شد . در آن تاریخ شرح مشاهدات سماوی را منظم نگاهداشتند . متأسفانه ما حاصل تمامی این مشاهدات و یادداشت ها را دستبرد زمان محفوظ نمانده . بر طبق علماء هیئت همزمان ما قدیمترین جدولی که تنظیم گردیده در ۵۶۸ پیش از میلاد بوده و این قدیمترین یادداشت منظم نجومی در تاریخ جهان میباشد که تا زمان ما محفوظ مانده و آنرا در موزه دانشگاه پنسیلوانی

Pennsylvania Univ. Mus. in Penna. Phila. U.S.A.

در کشور پنسیلوانی در اتازونی نگاهداشته اند . مطاب مهمی که بتحقیق پیوسته اینست که مشاهدات نجومی دانشمندان و ستاره شناسان بابل و آشور برای زمان پیوسته و دراز ۳۶۰ سال دنبال گردید و این نخستین رشته مشاهدات پیوسته نجومی در تاریخ است و کشف حقایق بسیار نجومی از آنها نتیجه گردید . حتی علماء هیئت در عصر جدید عامی نیز تا کنون موفق بیک رشته مشاهدات پیوسته نجومی بدرازی آمدن شده اند ؛ یگانه سلسله مشاهدات پیوسته نجومی را که با مشاهدات سماوی فوق الذکر میتوان در مقام مقایسه در آورد عبارت از بکرشته مشاهدات و یادداشت های آراسته ای است که از سال ۱۷۵۰ میلادی در شهر گرینویچ Greenwich انگلستان آغاز گردید و تا امروز ۱۸۷ سال پائیده است .

از دریچه چشم ما این امر شایان اهمیت است که چنین پیشرفت بزرگ عامی در سیر تمدن بشر در دوره جهانداری ایرانیان بوقوع پیوسته و مدتها پس از برجیده شدن بساط استقلال کلدان و آشور نیز بیاید . مهمتر از این مشاهدات همانا اسفراء نپوری من نو دریا نصد وادی پیش از میلاد است که این جداول را برای تخمین حرکات آفتاب و ماه بکار برد . وی با حسابهای دقیقی خود آشکار ساخت که حرکات آفتاب و ماه هر روز و هفته و ماه و سال در چه زمان نسبی انجام میگردد و خسوف و کسوف آفتاب و ماه و سایر امور مهم نجومی نیز روشن گردید . هم او درازی سال را ۳۶۵ روز و ۶ ساعت و ۱۵ دقیقه و ۱۰ ثانیه حساب کرد . این حساب که ۲۰۰۰ سال پیش اراختراع تلسکوپ انجام گرفت تنها ۲۶ دقیقه و ۵۰ ثانیه زیاده بر میزان واقعی است که در عصر ما با کمک وسائل امروزی بتحقیق پیوسته است .

دانشمند دیگر کلدانی بنام کیدین نو^۱ نیز پس از یک قرن و اندی بعد از نبوری منو در زیر حمایت دولت شاهنشاهی ایران همان سلسله مطالعات را ادامه داد^۲.

در صفحات پیش یاد آور شدیم که بنا بر اشاره ای در مقدمه کتاب هرودوت وی در جریان گرد آوردن تاریخ معروف

خویش از آثار تاریخ نویسان ایرانی استفاده نموده و نوشته های آنها که در زمان او موجود بوده مورد استشهاد او واقع گردیده ولی متأسفانه نامهای آنها را ضبط نکرده و اطلاعات بیشتری راجع بآنها نداده است. تردیدی در این امر باقی نیست که ایرانیها دل بستگی خاصی ضبطی کم و کاست حقایق داشته اند. در کتاب معروف تاریخ شاهان ماد و پارس دیران شاهی پوسنه وقایع را ضبط می کرده اند^۳.

کتیبه های سنگی و فلزی داریوش کتیبه های سنگی و فلزی داریوش

بازمانده ، از دیده اهمیت شایان تاریخی آنها ، باید پایه ای بلند داد ، و شایسته است که داریوش بزرگ را تاریخ نویس

برجسته ایران باستان بشناسیم. وی حقایق مهمی چند راجع بتاریخ و جغرافیای ایران باستان در دوره اول پارسی با خطوط و بیخی و بزبانهای پارسی قدیم و

۱ - کیدین نو Kidinnu در نزد یونانیها ، کیدناس Kidenas معروف بود .

۲ - کیدین نو نیز که یادداشت های گرانهای ۳۶۰ سال قمری را که منظم نگاشته شده بود دسترس داشت و با کمک آنها یکسلسله جداول محقق نجومی دیگر تهیه نمود و یکی از حسابهای او حتی صحیحتر از حسابی بوده که مدتها ملاک حسابهای منجمین این عصر بوده است . منجمین این دوره دسترسی بیادداشتهای منظم ۳۶۰ ساله نداشته و قد این چنین گنج علمی بوده اند . کیدین نو تغییر تدریجی در انحنای زمین را کشف نمود (Breasted *Supra* p. 212) . اکتشافات این دو دانشمند کلدانی یونانیها منتقل گردید و مهندس یونانی بنام متون Meton در تهیه تقویم تازه خود از جداول نبوری منو و کیدین نو استفاده نمود . این دو تن را امروز در ردیف بزرگترین منجمین تاریخ قرار داده بی ریزان علم هبنت جدید نامیده اند .

۳ - کتاب عزرا ۱: ۱۰۴ .

زبانهای شایع دیگر آنزمان درجهبه کوهها روی سنگ تراشاندید یا بر لوحه های طلا وقره در پی کاخها در اندرون زمین برای آیندگان یادگار نهاد. بودن این مدارك استوار مایه افتخار ایرانیان و نژاد آریائی است و پس از دوهزار و پاصد سال هنوز این سندهای بزرگ تاریخی را از جمله سرمایه معنوی و مایه سربلندی بسزای ملت ما باید شمرد.

هیئت های علمی رانیز که داریوش و خشایارشا برای اکتشافات دریائی و جغرافیائی بدریاهای دور و ساحل ها گسیل داشتند از دیده کاه اکتشافات نوین و افزایش اطلاعات محقق در زمینه علوم تاریخ و جغرافیا و دریاداری بایستی یاد آور شد. هرودوت گوید که هیئت های اکتشافی قسمت اعظم آسیا را بامر داریوش بررسی نمودند. داریوش در سر آن بود که ریزشگاه آبهای سند را بدریا کشف نماید و برای ایسکامه کشتیها فرستاد، هم با آنایسکه مورد اعتماد وی بودند تپی کم و کاست گزارش نمایند و هم سکایلا کس اهل کاریندا را^۱. هیئت ها از شهر کاسپاریتوس و سرزمین باکتیس^۲ آهنگ سفر نمودند و به نشیب رودخانه بسوی خاور دریا نوردند^۳.

سپس در دریا راه مغرب پیش گرفتند. در ماه سیزدهم با آجا که سوئز نام دارد رسیدند. شاهنشاه دریانوردان فینیقی را نیز بر ابرام سفر اکتشافی سگردا گرد لبیه گسیل داشت و اینان مأموریت خود را بنجامیدند. داریوش هندیان را مطیع ساخته راه سوداگری و رفت و آمد میان ریزشگاه رود سند و خلیج ایران را گشود^۴.

هرودوت گوید رفته رفته ایرانیها دریا داری را چنان فرا گرفتند که همگی نیروی دریائی ایران بدست خودشان میگردید و دریاداران و دریابابان تنها از میان پارسها

۱۳- تساط ابرایها در فن دریا داری

۱- Scylax de Carinda.

۲- Casparitus & Pactyco.

۳- هرودوت ۴:۴۴۰.

۴- Rawlinson, *Five Great Monarchies*, 3:431.

و مادها و ساگاها برگزیده میشدند ۱ .

دو سرمهندس ایرانی بوباروش پور مگابازوش و ارتاکاوش
 پور ارتاوش ۲ بامر خشایارشا دماغه کوه آنوس را در یونان
 که بمسافت درازی بدریا کشیده شده بود شکافته ترعه ای
 ساختند و گشادی آن چنان بود که دو تری رم یارزم ناو ایرانی آن زمان میتوانند پهلو پهلو
 از میان آن ترعه بگذرند ۳ . رالینسن گوید هیچ قسمت ساحل یونان بخطر ناکی
 پیرامون آنوس نیست و ناوچه رانان یونانی حتی امروز از آن گریزانند ۴ .

فنون مهندسی و معماری
 و هنرهای زیبا

پیدایش و در بافتن دشواریها و معماهای نزرک در هر دوره دائم
 پیشگام وسیله های نزرک است. کجکاو یها و اکتشافات و اختراعات
 نیز پیرو تقاضاهای نسبی است همینکه داریوش نزرک کردن
 ترعه سوئز را ضروری دانست مورد پیدانمود که علمای ریاضی و مهندسی و مکایک
 از هر جا گرد آیند. گرد آمدن آنها خود بخود دانشکده ای فنی پدید میآورد که
 هزاران بردست و کارگر فنون عملی و نظری فنون مهندسی آشنا میشدند .

احتیاج محسوس مادر
 اختراع است

اراده شاهی نیز چون برپا نمودن کاخهای بلند و بی نظیر
 می پیوست پندارها . مگرش ها و آزمونهای فنی هنروران
 همه کشورهای تابعه شاهنشاهی باهم روبرو میشد . گرده این
 هنروران نیز دانشکده و کانونی پدید میآورد که زاینده بسی ابتکارات نوین و موجب
 گستردن بسی هنرهای فرعی میگردد . در یازدهمین بند از بخش سوم ماچگوگی
 هنرهای گوناگون دوره هخامنشی را تا اندازه ای که در حوصله این کتاب بوده
 شرح داده ایم . اکنون در اینجا کافی است یاد آوریم که تقاضای زمان برای مهندسینی

توسعه تمدن و فراوان
 شدن هنرها

۱- Herod. 7 96, 184.

۲- Bubares Megabazus & Artachaens Artaus.

۳- Herod. 7:34.

۴- Rawlinson, *Supra* 8:450-451.

تعلیم و تربیت ایران باستان

که دریاها را بهم پیوندند، کوهها را بشکافند و آبروهای زیر زمینی و آبگیرهای بزرگ و گندابرو بمسافتهای دراز تهیه نمایند^۱ خود موجب گرد آوردن هنروران نامجو از هر جا و مکان میبوده و هنرآموزی هزاران کارگر و بردست و توسعه این موجبات تمدن در میان مردم میسر میشده است.

مهندسین ایرانی که برای خشایارشا در جاهای دور از ایران
آمادگی در هنگام کوهشکافی نمایند و ترعه بزرگ سازند آنها نمیتوانستندی
صلح بوجود آیند بلکه آمادگی صبورا نه آنها در زمانهای دراز
و هنگام صلح بوده است و بیگمان هنرستانهای فنی وجود داشته که مرور زمان
نامهای آنها را زدوده اما انعکاس آثار آنها هنوز پدیدار است. هرگاه خامه بیگانه پدر
تاریخ نیز نام مهندسین ایرانی را نگاه داشته و شگفت یونانیها را نسبت به بزرگ کاریهای
مهندسی ایرانیها ابراز نداشته بود ما هم تردید مینمودیم.

آئین و سنن باستانی ایرانیها هچنانکه فراترین مراحل اخلاقی
و زندگی پارسائی را میآموخت آموزنده دل بستگی زندگی
و فراوانی و آبادانی و دارائی نیز بود و هر مزدایرست خود را
۱۵- سابقه فلسفه اقتصاد و سیاست هخامنشیها
بجنگ دائمی بادیو فقر و فاقه و کاهلی و وظیفه مند میدانست^۲. باصطلاح اقتصاد یون
قرن بیستم ایرانیان باستانی طرفدار جدی سطح بلند معیشت و زندگی متمدن بوده اند
ولی بآن شیوائی که ایرانیان باستانی دین و آئین را با زندگی در اینجهان وفق داده
بودند جهان متمدن قرن بیستم بمفهوم آن بر نخورده و در حل آن وامانده است.

۱- در ۲۴۵۶ سال پیش از این ارجانه کارهای مهندسی که در تخت جمشید انجام پذیرفت یکی
آب ابار بزرگ بود که بمق ۲۴ متر از سنگ پارچه های بزرگ ساخته شده بود. دیگری
مجاری گنداب رو وزیر زمینی است که از نواد مهندسی و در ضمن کاوشهای اخیر کشف شده است.
این مجاری از زیر تمام ساختمانهای شهر شاهنشاهی میگذاشته و درازی آن بچندین کیلومتر بالغ
میشود. رجوع شود بمقاله استاد چارلز برستد «کشف اسرار تخت جمشید» ترجمه فارسی در مجله
مهر ۷:۱ ص ۵۱۳.

۲- اردیبهشت یشت فقرات ۷-۹ و یسنای ۲۴ فقره ۳ و یشت سروش فقره ۲۱-۲۲.

فن کشورداری

شواهدی که ما بحکم ضرورت برای گفتار خویش برگزیده ایم همانا مشهودات نویسندگان باستانی یونان و دیگر بینندگان است که اثرات و انعکاسات زندگی ایرانیان را میدیدند ولی بمحرك واقعی آنها بیگانه بودند.

گامهای نوین داریوش در زمینه اقتصاد و سیاست و فن کشورداری^۱ باندازه ای بی سابقه و فرهمندانه بود که در

فن کشورداری

۱ - داریوش مؤسس واقعی امپراطوری ایران نامیده شده :

Thirlwall, *History of Greece*, 2:185 برجسته کاریهای او در امور اقتصاد و سیاست طور خلاصه عبارت بود از: الف - تشکیلات اداری و تقسیم شاهنشاهی پهناور ایران بواحد های بزرگ، بطوریکه ولایت هر واحدی برعهده یکفر خشتریاون یا مرزبان بود که یونانیها ستراپ میگفتند (هرودوت ۳:۸۹) ، ب - برای حفظ اصل مرکزیت یکفر سردس که درحقیقت بازرس رسمی ازسوی مرکز کشور بود معاونت والی برقرار میشد و یکفر سرلشکر نیز از مرکز تعیین میگردد که مسئول امور ارتشی و مستقیماً پاسخگو بمرکز بود ، ج - انظام امور مالی و ایجاد موارد عادلانه برای پرداخت مالیاتها بترتیب جنسی و نقدی و تمرکز عایدات کشوری (هرودوت ۳:۸۹-۹۸) ، د - ایجاد واحد پول و ضربمسکوکات زر و نقره که بجای مبادلات جنسی داد و ستد و سوداگری میان ایالات و کشورهای تابعه را آسان نموده و مینافزود ، (Crole *Hist. of Greece*, 3:204) ، ه - اصلاح و تحمیم گاهنمای قدیم ایرانی با اقتباسات از گاهنما (قومیم) مصری که درحای دیگر (ص ۳۳۱) بار اشاره شده (Breasted, *Ancient Times*, p. 271) ، و - تعیین و تثبیت واحد های مقیاس مسافت و مقادیر و غیره ، ز - از بو آراستن نشکیلات ارتشی و پیدایش سیاه دائمی که در تمام اوقات آماده خدمت بود و ایجاد نیروی دریایی که سیادت دریائی ایران را در امتداد دوره هخامنشی مستقر ساخت و شرح آن در بند نهم ارسخت سوم اینکتاب داده شده ، ح - ایجاد امنیت عمومی بوسیله انظام امور قضائی و شهربانی و تهیه قوانین مقتضی و احقاق حق و اجرای عدالت تا باندازه ای که قانون استوار ماد و یارس و اجرای بیطرفانه آن در جهان قدیم ضرب المثل گردید . در عین حال احترام نویسی ملل تابعه تا حدیکه مخالف امنیت عمومی نبوده و بحفظ شیرازه مرکزیت زیان نرساند (هرودوت ۷:۹۸ و اسکیلس *Persae* ۳۲۸ و گزفون انابسیس ۱۲:۱-۱۷) و خود شاهنشاه بمثابه دیوان عالی تمیز بود (هرودوت ۷:۱۹۴) ، ط - فراهم آوردن وسائط نقلیه و وسایل ارتباط سربعتر و بهتر بسان راهها ، چابراهای سریع السیر و چابارخانه ها و حجر ترعه سوئز برای پیوستن شرقی و غرب و پیدایش پست و ساختن پلها و راهها و امثال اینها نه تنها برای حفظ شیرازه مرکزیت بطور مؤثر بود بلکه پرداد و ستد و سوداگری و بده و بستان هنر ها و فنون و گستردن تمدن دائم مینافزود (کوروشنامه ۸:۱۸، ۷:۱۸ و گروتیه «تاریخ یونان» ۳:۲، ۴:۲) .

آن زمان بافکار دانشمندانی مانند افلاطون و گزنفون و دیگران تأثیر نفوذ نمود. برای نخستین بار در تاریخ جهان داریوش نقشه مهم اقتصاد و سیاست طرح نموده و بکار انداخت و مسلم ساخت^۱. رویه کارآمده داریوش را نخست یونانیها^۲ و بمرور زمان امپراطوریهای بزرگ جهان در تاریخ بکار برده اند.

مصر شناس انگلیسی بنام والیس بیج در ضمن تاریخ خود مینویسد آموزشگاه کنسور داری^۳ که بنا بر دستور داریوش دانشکدهای نیز در سائیس تشکیل در سائیس یافت تا کهنه را برای خدمات دولتی در مصر آماده سازند^۴ این اقدام نیز سان اقدام دیگر داریوش در تأسیس دانشکده پزشکی در سائیس، در زمینه احترام بمقدسات ملک تابعه و بیکار نگذاشتن و نوازش آنها از طرف هخامنشیها^۵ مؤید سیاست ایشان بود.

دور نیست که اینکام سیاسی داریوش منشاء الهام طرح تربیتی افلاطون گردید زیرا او در کتاب خود بنام «قوانین»^۶ که پس از کتاب «جمهوریت» و در پایان عمر خویش نگاشت سبک تربیت اشرافی را که سابقاً پیشنهاد کرده بود اینچنین اصلاح نمود تا زندگان قوم که در اثر تربیت سعودی مهبایه خدمت امور کشوری میشوند از کهنه باشند تا شاید بزعم او، جنبه مردم دوستی آنها ناداش توأم شود.

دیودورس سیکولس گوید مصر بها داریوش را ششمین قانون گزار مصر میشناخند در دوره زندگانش ویرا پایه خدائی داده و پس از آنکه در گذشت بنا بر رسم باستانی خود او را

۱ - رالینسن ۴: ۴۱۷.

۲ - هرودوت ۳: ۸۹.

۳ - Budge, E. A. Wallis, *A History of Egypt*, (Lond. 1902) p. 47.

۴ - رجوع شود بصفحات ۲۹۸-۲۹۹ این کتاب.

۵ - Monroe, P. *History of Education* (N. Y. 1914) p. 137 & seq.

پیشرفت فن آبیاری

پس از شاهان درگذشته مصر میسرستیدند^۱. هرودوت که سنوانی و تیره بختی بابلیها را در زیر شاهان بومیستان خاطر نشان کرده تصریح مینماید که بقای نژاد بابلیها مرهون کوششهای داریوش است^۲. اصل سیاست آرامش و آبادی دولت ایرانندی دیرتر نمایان گردید. گزنفون در هنگام بازگشت بانبروی خود از راه تراپزون در سال ۴۰۱ ق. م. مینگارد «چون من چشمان خود را باطراف افکنده سرزمین پهناور و زیبائی را (بابل) که ایرانیان خداوند آن میباشند نگریستم که چگونه از وفور نعمت و فراوانی و بردگان و مواشی و زر و جامه های زیبا سرشار بود و از سوی دیگر بوضع (اقتصادی) مردم خود در فکر فرورفتم، که از این خوبیها و خواستنیها بی بهره بودند... دیگر بیشتر از صلح هراس نداشتم که اکنون از جنگ دارم^۳». نه تنها گزنفون در ضمن سفر خود بایران متوجه شهرها و قراء و دهات پر نعمت شده بود^۴ بلکه مورخین اسکندر نیز پس از صد سال متوجه همین امر شده بودند^۵. از

۱۶ - پیشرفت فن آبیاری

۱ - Diodorus Siculus, *The Hist. Lib* 1:195.

۲ - هرودوت ۳:۱۹۵. برطبق نوشته های استوانه ای که از کوروش بزرگ یافت شده وی نگاشته است که در هنگام تسخیر بابل فریاد شادی و جشن گزاری از کاخ شاه بابل بلند بود: پ. م. مابکس «تاریخ ایران» ج ۱ ص ۱۶۱ (لندن ۱۹۱۵). برطبق مابکس سیاست اصلاحات اقتصادی بابل از زمان کوروش آغاز گردید.

بعضی از نویسندگان اینزمان بیاناتی مبالغه آمیز نموده اند منی براینکه اشغال بابل موجب خرابی آن بود و مدارکی برای اثبات مدعای خود نهموده اند. رجوع شود به:

J. Kennedy, *Early Commerce of Bab. With India* JRAS (1898) p. 271.

۳ - Xen. *Anabasis* 3:159.

۴ - شهرهای بزرگ و پر جمعیت مانند کارماند Carmande در لب فرات (انابسیس ۲۶:۱) ایس Opis و نیرکائا Caenae لب دجله (انابسیس ۶۱:۲) که ثروت آنها بواسطه آبیاری خوب و دائم میافزوده (انابسیس ۵۸:۲).

۵ - برطبق نیارکوس (۳۲۶-۳۲۵ ق. م.) Nearchus در بنادیران قراء سیدودون Sidodont، تارسباس Tarsias و کائا Cataea و شهر بادیس و هرمز Harmozia روبروی جزیره فعلی هرمز و جزیره اوراکتا Oaracta (Arr. *Ind. Hist.* 32-37) جایهای نامی در پارس مانند ایلاس و سیکادرس و اکوس و ایوستانا و شهر گوگانا و هیراتیس که دارای ترعه قابل کشتی رانی تاهدیریا داشته و تنوسه و بندرهای متعدد دیگر (Arr. *Ind. Hist.* 32:40-41).

جملهٔ علك این فراوانی توسعهٔ فلاح و بخصوص فن آبیاری بود. شاید قدیمترین راه ایرانیها در تسلط بطبیعت استفاده از آب برف و ایجاد قنات‌ها یا مجاری زیرزمینی بوده^۱ و زمینهای بسیار را باینوسیله آباد میکرده اند. این مسئله نیز جاب توجه نویسندگان قدیم را نموده بود^۲.

استفاده از آب رودخانه‌ها بوسیلهٔ سدبندی نیز معمول بود.

فن سد بندی بمنظور
زراعت

گزنقون در ضمن شرح مسافرت خود گوید: در سفر دو

روزه هشت پرسنگ پیمودیم و در بین راه ازدو ترعه گذشتیم

یکی را بوسیلهٔ پل و دیگری را با کمک قایق‌های ته پهن. ترعه‌ها را از دجله احداث کرده بودند و از هر ترعه جویهایی متعدد کننده شده که بهر سو جاری بود. این نهرها در آغاز پهناور ولی رفنهرفته بجویهای کوچکتر تقسیم میگرددید^۳.

سدهای بزرگی نیز بهمین منظور آبیاری از آبهای دجله

سد های بزرگ و
شاذروانها

در نقاط مختلف و فرات^۴ و کارون و رودهای دیگر ایران

هیخامنشی کشیده شده بود که در عصر ساسانی شاذروان

مینامیدند^۵ و ترعه‌ها و جویها از محل سدها بزمینهای مجاور و سراشیب مساط شده برای زراعت بکار میرفت.

سد بزرگ دیگری که هرودوت بان اشاره کرده در شمال شرقی ایران

کنونی در حدود میانهٔ سفد و خوارزم بوده. وی گوید ایرانیهای بزرگ ساخته‌اند

۱ - Strab. 16:1,2; Diod. Sec. 2:13,7.

۲ - برای شرح مفصل در این باب رجوع نمود کتاب پلیبیوس Polybius 9:28,2.

۳ - گزنقون اناسیس ۵۸:۲.

۴ - Vincent, Wm. *The Commerce and Navigation of the Ancients in the Indian Ocean*, (London 1807) vol. 1 p 505.

۵ - Streck, *Encyc. of Islam*, Article on *Karun*, p. 779A.

تاورنیه در زمان خود سد بزرگ میان زاب و موصل بطول ۱۲۰ پارسا مشاهده کرده بود رجوع شود به: Neibuhr, *Voyage en Arabie* 2:307 (Ams. 178).

روبه ایرانیها در رام کردن سرکشان

که از شکست کاریهای صنعت و موجب شگفتی یونانیها تواند شد . بوسیله بند مزبور آبهای فراوان را بر زمین های پهناور مسلط کرده اند و زمین هائی را که درخور کشتکاری است با اختیار دولت در آورده قبایل و عشیره های سرکش و عناصر ناآرام را در آنجاها جای داده اند .

ایرانیها باینوسیله نه تنها کشاورزی و آبادانی زمین را بر طبق تعلیمات صریح دینی خود پیشرفت میدادند و خطرهای فقر و تنگدستی را برمیانداختند بلکه قبایل و عناصر دست و دل تهنی را که بسرکشی و زیان آوری میگراییدند بکار و ثروت جوئی و تسخیر طبیعت و امید داشتند و چندی نمیگذشت که همان عناصر ناآرام و سرکش را به ردمی سودمند و سرگرم مبدل میساختند و چون آبهای نوشیدنی و زراعت بوسیله سدها در اختیار دولت بود درگاههای ضرورت بوسیله بازداشتن آن میتوانستند ایشانرا از بروز هر گونه سرکشی و تجاوز باز دارند . بدینسان نیاکان ما ملل تابعه را بزندگان آرامش و هنرهای صلح رفته رفته خوی میدادند .

مورخین اسکندر که با امور سد بندی و آبیاری ناآشنائی داشته باشند با اقتادن یونانیها در نشان داده اند وجود این سدها را نیرنگی از سوی ایرانیان بمنظور آب اندازی و اشکال تراشی در مقابل ناوهای مهاجم پنداشته بودند و از اینروی به ناآشنائی ایرانیها بامور دریائی و گریزان بودن ایشان از جنگهای دریائی حمل کرده بودند^۱ و ظاهراً این گمان موجب ویران ساختن بعضی از آن سدها از طرف اسکندر مقدونی گردید^۲ .

۱ - Arrian *History of Alexander's Expedition*, Bk. VII, Eng. tr. by Rooke (Lond. 1814).

این فکر خام در قرون بعد در دهان بعضی از نویسندگان اروپائی افتاده و برخی از آنها اصراری در این ادعا ورزیده و حتی خواجه حافظ شیرازی را که در سفر دریائی بطرف هندوستان حالت متقلب شده بود مؤید مدعای خویش قرار داده اند .

۲ - تاوردیه و ایضا نیپور در « مسافرت دریائی بحرستان » ج ۲ ص ۳۰۷ .

ویران ساختن سدها از طرف اسکندر مقدونی در هنگام
 استیلای او مینمایاند که ایرانیها بوسیله گشودن آنها در
 هنگام ضرورت کارزار و بمنظور دفاع شهرها دشمن متجاوز
 را در زحمت میانداخته اند و این خود منظور غیر مستقیمانه ای بوده که بندرت
 مورد پیدا مینموده و بهیچوجه دلیل ناآشنائی ایرانیها با امور دریائی نبوده است.
 این امر مسلم گردیده که ایرانیها در امتداد دوره هخامنشی سیادت دریائی جهان
 را لازم داشته ۱ و بچنگ آورده ۲ و نگاهداشتند ۳.

سیادت دریائی
 جهان

هرودوت نیز صریحاً گوید تسلط ایرانیها بدریا داری و دریاهاچنان گردید
 که جمله قوای دریائی ایران بدست خودشان اداره میگردد، دریاداران و دریامانان ایرانی
 تنها از پارسها و مادها و سگاکا بودند^۴. نیروی دریائی کشور های تابعه ایران مانند
 مصر و فینیقیه و قبرس و غیره نیز بالطبع بخدمت ایران در آمدند و ایران تا زمان
 رسائی خود از آنها استفاده کرده در عوض آنها را پاسبانی مینمود^۵.

تردیدی در این امر نیست که هر گاه در زمان هرودوت تمام
 نیروی دریائی ایران بدست خود ایرانیها اداره میشد
 آموزشگاههای دریا داری نیز در جایهای مقتضی داشته اند
 و از تجارب ملل تابعه استفاده مینموده اند. اصطلاحات بیشمار دریائی که از دوره
 ساسانی باعرب رسید یگمان تسلسل فن دریاداری از زمانهای اشکانی و هخامنشی
 بوده است و بحث آت قسمت در جای خود بیاید.

آموزشگاههای
 دریا داری

۱- Meyer, *Ed. Encyc. Britannica*, Article on *Persia*, Vol. 21 p. 209 b.

۲- Herod. 7:96, 184.

۳- Rawlinson, G. *The Five Great Monarchies*, Vol. 3 p. 194 (Lond. 1879).

۴- Herod. 7:96.

۵- Rawlinson, G. *Phoenicia* p. 194.

اصلاح الفباء و زبان

تحقیقات سالهای اخیر در اکباتان مینمایاند که ظاهراً مادها
خطوط مفهوم نویسی میخی آشور و بابل را قبل اکتباس
نموده و اقبای سی و نه حرفی از آن ساختند^۱. پارسها
آنها را از مادها اقتباس نموده و روی خشت های گلی مینوشتند و شاهان هخامنشی
نیز پیامهای خود را با آن خط روی سنگها میکردند^۲.

۱۸ - اصلاح الفباء
و زبان

زبان و رسم الخط آرامی در بازارهای بابل و مراکز
سوداگری برای امور عملی و جاری داد و ستد آسانتر
بود و شایع گردید. اوراق و اسناد تجارتمی را بزبان آرامی
با قلم و مرکب روی پایروس مینوشتند. چون اینوضع آسانتر از خشت های گلی
بود و اسناد تجارتمی را باینوسیله بهتر میتوانستند داد و ستد نموده از جابجا نقل
کنند و نگاهدارند رفته رفته شایعتر شد و در عین حال خشت های گلی و خط
میخی رفته رفته کمتر بکار رفته و تدریجاً متروک شد. رسم الخط و زبان عمومی
سوداگری کم کم از طرف اولیای دولتی نیز اقتباس گردید.

۱۹ - رسم الخط آرامی
در نزد سوداگران

دولت شاهنشاهی هم بررسی قدیم وهم آرامی را برای ابلاغ
دستورها و آراستن اسناد دولتی بکار میبرد. زبان پارسی
را نیز گاهگاهی بخط آرامی مینوشتند و حتی سنگ نوشته ها
نیز دیرتر گاهگاهی بخط آرامی تهیه میشد^۳.

۲۰ - بکار بردن خط
آرامی از طرف دولت

اهمیت خاصی نیز که الفبای میخی ایرانیها در اینزمان در
نزد محققین و خاور شناسان احراز نموده تاحدی باین سبب
بوده که موجب گردید در قرن نوزدهم، فتاح حل زبانهای

۲۱ - اهمیت خاص
خط میخی

۱ - در جریان تالیف اینکتاب نویسنده بمناسبت جدیدی برخورد که نتیجه کاوشهای اخیر در
تخت جمشید و شوش است. در نتیجه اسنادی که در کاوشهای اخیر کشف شده و در صفحه ۳۵۳ اشاره
مختصری بان گردیده است، دوریست نظریات بسیاری که فعلاً در پیرامون تاریخ باستان داریم
جرح و تعدیل شود و حقیق نویسی بر ما مکتشف گردد.

۲ - Breasted, J. H. *Ancient Times*, p. 265.

۳ - *Supra* p. 265 & Seq.

تعلیم و تربیت ایران باستان

بابلی و آشوری گردیده و بتواریخ و تمدن آنها پی برده شود^۱ و کارهای صورت علمی بخود گیرد.

این امر مسلم است که در آمدن قبیله های بسیار ایرانی با لهجه های گوناگون در گرده شاهنشاهی هخامنشی و افزایش رفت و آمد و داد و ستد و صدور فرمانهای دولتی و رفت و فتح امور مالی و سوداگری همانا یکسانی و استواری و سادگی خط و زبان را ناگزیر مینمود. بیگمان اصلاحاتی نیز صورت پذیرفت ولی هنوز در اینزمینه مدارك استواری در دست نیست^۲. تنها امر محقق اینست که الفبای آرامی موجب پیدایش خط پهلوی گردید.

۱ - توجه سیاحان و محققان از اوایل قرن هفدهم متوجه خطوط مسیحی دراستخر و طاق دیگر ایران گردید و شرح تفصیلی اینموضوع در جای خود بیاید. در اینجا کافی است گفته شود که اولین پیشرفت مهم در کشف وفتح خطوط در ۱۸۰۲ بوسیله گروتفیلد Grotenfeld یکفر دبیر آلمانی بعمل آمد. وی موفق بحواصن نام داریوش وحتایارشا گردید و مجموعاً علامت مسیحی را توانست نمیر دهد. سن مارتین J Saint-Martin واژه وبتناسیرا ورسك R Risk حرفهای مهم و یونانمزداد. در ۱۸۳۶ برنوف E. Bernouf در اوراق شولز نام Schulz که مقتول شده بود واژه اهورامردا را یافت. تا این مرحله محقق گردید که زبان سنگنوشته های هخامنشی با زبان وحط اوستا اختلاف دارد اگرچه هر دو از يك اصل بود. لاس نام Lassen بر چند حرف اعراب کشف کرد ولی پیشرفت مهم در ۱۸۴۷ از طرف سرهاری رالینس Sir Henry Rawlinson بعمل آمد. وی قسمت اعظم سنگنوشته های در بیستون را رونویس کرده و حروف بیصدا وصدادار را تشخیص داد. پایان کار و تهیه صورت کامل الفباء توسط ابر Oppert انجام پذیرفت. بعدها بوسیله این اکتشاف علما محل خط و زبان ملل بابل و آشور و کلدان بر موفقی گردیدند.

۲ - شرحی جامع تشکیل اجمن داناگان در زمان داریوش و تاسیس فرهنگستانی در زمان اردشیر و نامر او در دو کتاب فارسی سطر بوسنده رسیده که برای آنها در اسناد و آثار بویستدگان قدیم یونان و روم و غیره مدرکی نیافت. ولی چون موضوع دلچسب و وابسته بایگمتار بود ناخیز احتیاط در اینجا بار گفته میشود. یکی از دو کتاب مزبور تاریخ ایران بنام «آئینه سکندری» تالیف میرزا آقاجان کرمانی (؟) که طبع وشرآن باهتمام زین العابدین (بجیه درذیل صفحه ۳۴۵)

آیا ایران دوره هخامنشی بجز از سنگنوشته های شاهان

۲۳- آثار ادبی
دوره هخامنشی

آثار ادبی دیگری نداشته ؟ هر گاه سنگنوشته های هخامنشی
نیز از میان رفته بود خصوصیات دیگر تمدن آنها که با

مدارك در این کتاب کم و بیش نشان داده شده ما را وامیداشت باینکه پایه بلند دانش
و فرهنگ آنها را اذعان نموده و آنها را دارای تألیفات بدانیم . بدون تردید
مردمی که در امتداد دو بیست سال و اندی اثری در روی سنگ ها میکنند اند
آثار ادبی دیگری نیز در روی پوست^۱ و پاپیروس^۲ داشته اند اما پس از دو
هزار و سیصد سال اثری از اینها باقی نمانده است . با اینحال جسته گریخته اشاره‌هایی
بوجود کتابخانه ها در کنار آتشگاههای بزرگ یا خزانه های شاهی در پیرامون
کاخها که جای نگهداری اسناد بوده دیده میشود .

در اینکه خزانه ها و کتابخانه های دیگر در آتشکده های

کتابخانه های وابسته
به آتشکده ها

نامی در مرکزهای بزرگ مذهبی مانند آذربایگان وری
و بلخ وجود داشته نباید تردید داشت . آذربایگان و ماد مرکز

اصلی معان بوده و وجود علوم و تألیفات آنها در زمانهای پیشین نیز محقق است .
از عصر مادها تا دوره ساسانی^۳ دست کم در امتداد هزار سال ، ماد خاصه

(نقشه از ذیل صفحه ۳۴۴)

مترجم الملك ، چاپ تهران در سنه ۱۹۰۹ میلادی بوده . کتاب دیگر « ایران نامه » تألیف
عباس بن محمد علی شوشتری ، چاپ مسور ، در سنه ۱۹۲۵ میلادی است . شرحی که مختصر
اختلاف در هر دو کتاب ذکر شده اقرار ذیل است : در ایام سلطنت داریوش بزرگ یکی
از حکمای نامی ایران موسوم به راب انجمنی در اکباتان (همدان) تشکیل داد و در آن انجمن
دانشمندان کشور گرد آمدند و دانشگاهی با اصطلاح عصر ما تشکیل دادند . فرهنگستانی
نیز با اصطلاح امروز در زمان اردشیر و مامر اودر شهر سارد تشکیل گردید و از جمله کارهایی
که در آنجا انجام پذیرفت ترتیب و انتظام زبان بود که به دری موسوم شده است .

۱- Ktesias, qtd. by Diod. Sic. 2:32,4.

۲- Herod. 5:58

۳- Christensen, A. *L' Iran Sous Les Soss.* (Copenhagen 1936) p. 112.

آذربایگان مرکز مغان بوده . در اینصورت باید لا اقل يك كتابخانه مهم از آنها در آنجا بوده باشد . چنین جائی نیز بالطبع در بر آتشکده بزرگ آذرگشسپ^۱ که ویژه شاه و سپاهیان بوده^۲ . و در بهمین^۳ در شهر شیز بوده است .

امروز جای نخستین شهر شیز نامعلوم است . آیا خرابه تخت سلیمان در آذربایگان خرابه شهر باستانی شیز است^۴ ؟ شاید خاطره های تاریخی نیز موجب گردید که بعضی از شاهان ساسانی بسان خسرو پرویز اینمکانرا برای پایگاه تابستانی برگزینند^۵ . آتشکده های دیگر در ردیف آذرگشسپ یکی آذر فروبا^۶ یا آذر فروغ ، ویژه پیشوایان دینی^۶ . در پارس و دیگری آذر برزین مهر در ریوند خراسان . واقع در شمال غربی نیشابور . ویژه طبقه برزیگران بوده است^۷ . آتشکده معروف دیگر نار کوشید (نار کوه شید) در فراز کوه شید . میان پارس و اسپهان و منسوب به کیخسرو بوده است^۸ .

۱ - رجوع شود بمقاله یور داود در گاتها (بمبئی ۱۹۲۷) ص ۲۳-۲۵ و پشتها (بمبئی ۱۹۳۱) ج ۲ ص ۲۳۹ - ۲۵۲ این آتشکده در نزدیک بیابان شاهنشاهی خسرو پرویز در ۶۲۴ میلادی ، پس از شکست یافتن ایراسان از هراکلبوس (هرقل) رومی ، بدست آنها غارت شده و ویران گردید .

۲ - ابن حردادبه در المسالك والممالك .

۳ - رطبوق شاهنامه در بهمین که بدست کیخسرو با آتشکده مبدل شده در شهر اردبیل بوده است .

۴ - Rawlinson in JRAS, 10:76.

۵ - Marquart, *Kronsahe* p. 108.

۶ - بندهش ۷:۱۷ .

۷ - استاد خاکسن امریکائی جای ده مغانرا در میان سبزوار و میاندشت پنداشته . رجوع شود به :

Jackson, *From Constantinople to the Home of Omar Khayyam* (N. Y.) p. 211-217. & JAOS p. 82 (1921).

۸ - شار تازیخ سنی ماولک الارض والانبیاء (برلن ۱۳۴۰ هجری) ص ۲۷ و منقول در پشتها

ترجمه یور داود ج ۲ ص ۲۵۲ .

آشکده های زرگ

۱- در صورتی که در یک طرفه از یک طرفه
 ۲- در صورتی که در یک طرفه از یک طرفه
 ۳- در صورتی که در یک طرفه از یک طرفه
 ۴- در صورتی که در یک طرفه از یک طرفه
 ۵- در صورتی که در یک طرفه از یک طرفه
 ۶- در صورتی که در یک طرفه از یک طرفه
 ۷- در صورتی که در یک طرفه از یک طرفه
 ۸- در صورتی که در یک طرفه از یک طرفه
 ۹- در صورتی که در یک طرفه از یک طرفه
 ۱۰- در صورتی که در یک طرفه از یک طرفه
 ۱۱- در صورتی که در یک طرفه از یک طرفه
 ۱۲- در صورتی که در یک طرفه از یک طرفه
 ۱۳- در صورتی که در یک طرفه از یک طرفه
 ۱۴- در صورتی که در یک طرفه از یک طرفه
 ۱۵- در صورتی که در یک طرفه از یک طرفه
 ۱۶- در صورتی که در یک طرفه از یک طرفه
 ۱۷- در صورتی که در یک طرفه از یک طرفه
 ۱۸- در صورتی که در یک طرفه از یک طرفه
 ۱۹- در صورتی که در یک طرفه از یک طرفه
 ۲۰- در صورتی که در یک طرفه از یک طرفه

یکصد و هشتاد متر مربع سطح اوسا ورد
 اکنون درمورد آشکاه کبهاگ

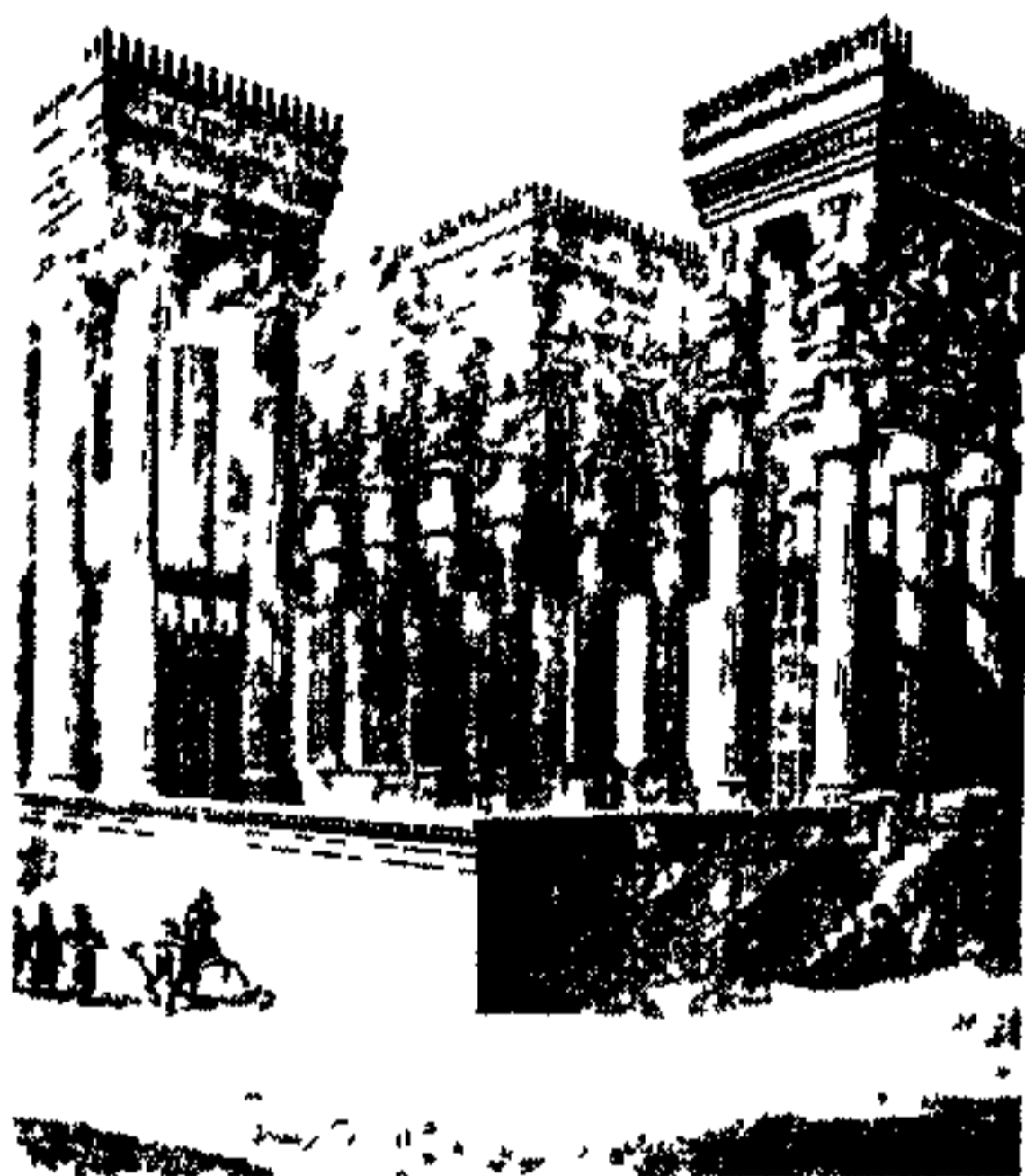
همچنانکه در

دیر کوشید کنار هر

آتشکده‌ای جمعی از روحانیان و داناگان میزیسته^۱ و دیر^۲ و آموزشگاهی داشته^۳ میتوان نیز احتمال داد که بمرور زمان تألیفاتی هم داشته‌اند و کتب پیشینیانرا نیز اسنساخ مینموده^۴ و کتابخانه‌هایی ضمیمه هر آتشکده بمرور زمان فراهم آمده بوده و بنام همان آتشکده یا نام ویژه‌ای، بسان شپیگان شناخته میشده است.

و جود شپیگان در سمرقند و جود کتابخانه

شپیگان (یا شسپیگان) نیز در زمان داریوش سوم، معروف به کدمان، محقق است. در



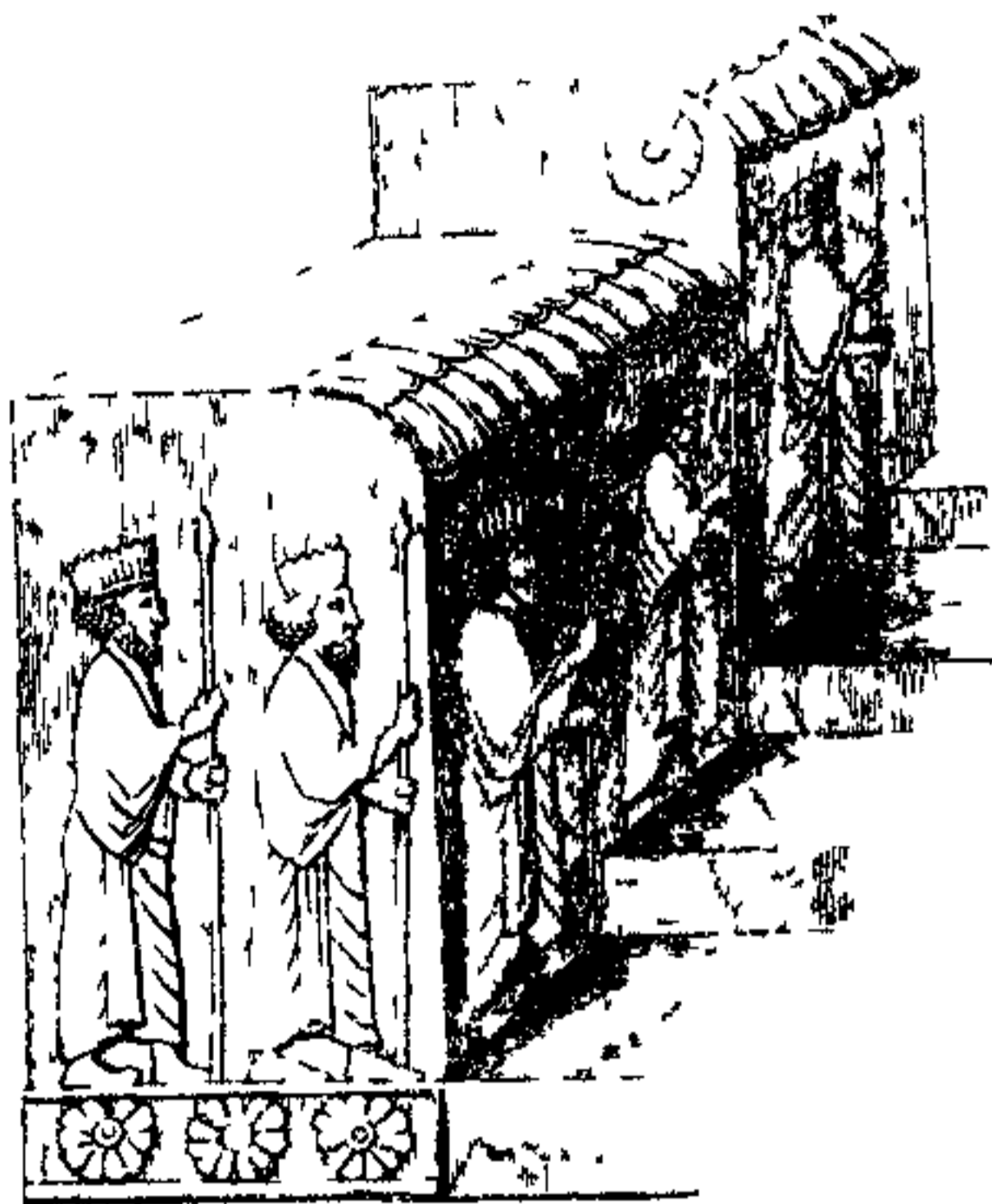
تالار کاخ حشایارشا در هگام آمادی (شپیه)

۱ - Inostranzev, *Iranian Influence on Moslem Literature* Pt. I, Eng. tr. from Russ by G. K. Nariman; (Bom. 1918) p. 204.

۲ - حمدالله مسعودی آتشکده نار کوشید را دیر کوشید نامرده (ترجمه القلوب ص ۶۹) و بنا بر این با احتمال قوی صومعه‌ای نیز ضمیمه آتشگاه بوده که شاید بتوان بدیرهای فرون وسطی در اروپا مقایسه نمود. بیروان برگزیده مانی را بطور محقق میدانیم در دیرها میزیسته و استمساخ میرداخته‌اند. سایرین شاید این امر در ایران سابقه داشته است.

۳ - در شهنامه آمده: هر برنی بردستان بدی همان جای آتش پرستان بدی

۴ - در دیگر شرح پاسحهای رودشت را بپرسشهای کی و بشتاسپ که نگردد آمدن اوستا (قبه در ذیل صفحه ۳۴۹)



ماش‌های رحسته یکی از بناهای کاخ در استخر
« ایران قدیم » ولادین و کس

کتاب دینکرد نوشته
« دارای دارائی فرمان
داد تا دو نسخه نوشته
تمامی اوستا و زند را.
همانطوریکه از اورمزد
بر بردشت الهام شده
بود، یکی را در خزانه
شیبگان و دیگری را در
دژ پشت نگاهدارند^۱ »
در کتاب پهلوی
شروشیهای ایران که
تاریخ تألیف آن در
هشصد میلادی است^۲
در ضمن تاریخ ساسانی
شهر سمرقند ذکر

شده که « بر حسب فرمان شاه و یشتاسپ زردشت هزار و دویست فصل در پیرامون
آئین مقدس بر روی لوحه‌های زرین نوشته آنها را در حراة آتشگاه و رهراں نهاد.

(قمه از دلیل صفحه ۳۴۸)

احتمالاً داده شده و بر گوید که نسخه اصلی را در شیبگان و رو نوشته‌های آنرا منتشر ساخته
و نسخه دیگری را در دژ پشت (قاعة اسناد) نهادند. با حار رو نوشت اوستا امری دراز و
کار روحانیان بوده است شروع شده:

West, E. W. *Pahlavi Texts* pt 4 in SBE (OX 1892) p ۳۳۱.

۱ - Dinkard 4.23, cf SBE 37 413.

۲ - Modi, J. J., *Shatrocha - Iran* tr., (Bom. 1899) p. 131

تعلیم و تربیت ایران باستان

بعدها اسکندر نابکار آنها را سوزانیده در رودخانه انداخت ^۱ .

در اکباتان (همدان) ^۲ ساختمان استواری در درون محوطه

اکرا در اکباتان

کاخهای شاهی بنام «اکرا» ^۳ بنیاد شده بوده ^۴ که نه تنها

محل خزانه شاهی بوده ^۵ بلکه جایگاه نگهداری اسناد شاهان ماد و پارس نیز

می بوده است ^۶ .

دژ نیشت یا قلعه نوشته ها و دفترها در استخر بوده ^۷ و

دژ نیشت

شاید مهمترین مخزن کتب و آثار نوشته هخامنشی و در کنار

در استخر

کاخهای شاهی بوده است . اسناد و نوشته های شاهنشاهی و

تواریخ ایام شاهان ماد و پارس در چنین جائی نگاهداشته میشد ^۸ . در زمان داریوش

سوم که آخرین شاه هخامنشی بود یکجلد کتاب اوستا بفرمان او در دژ نیشت

نگاهداشته شد ^۹ .

اسکندر مقدونی پس از استیلای کامل بتمامی شاهنشاهی ایران

اسکندر استخر را

چه احتیاجی بآتش زدن ذخایر تمدن ایران داشت ؟ وی شیرازه

آتش زد

تمدن بزرگ و آراسنه ای را بچنگ گرفته ازهم گسیخت و

نیکوتر نیاراست و گنجینه های دوست ساله استخر را که نمایانده ذوق و فکر ملل

عالم و خلاصه تمدن جهان قدیم بود آتش زد . چه انگیزش ددی ویرا باینکار داشت

۱ - *Supra*, p. 55: 133-136.

۲ - ظاهراً تعون این اسم اکباتان ، اکباتان ، هگمتان ، هگمدان ، همدان بوده است .

۳ - Akra.

۴ - Polybius, 10:27,6.

۵ - Arrian, *Alexander's Expedition*, 3:19.

۶ - کتاب عزرا ۲:۶ و کتاب استر ۲:۱۰ و ۶۱:۲۳ .

۷ - دینکرد ۲۳:۴ . ایضا رجوع شود سادداشت شماره ۱ ص ۳۴۹ .

۸ - کتسپاس یرشک یونانی در دربار اردشیر دوم هفده سال مانده و برای تالیف کتابهای خود

راجع بایران از اسناد خزانه شاهی استفاده نموده بود .

۹ - دینکرد ۲۳:۴ : ترجمه وست ۴۱۳:۳۷ .

اسکندر امشیر را آتش زده



آتش زدن اسکندر مقدونی تخت حمشید را

اسکندر تائیس زین مدعملی را روی دستها بلند کرده ، و نامشعلی که در دست او است ،
تخت حمشید را آتش میزد .
(پرده نقاشی ریشه گروس ، در کانون هنروران فراسه)

تعلیم و تربیت ایران باستان

واز چه روی اسکندر را زینده سر نام^۱ « بزرگ » دانیم ؟

پس از آتش زدن کاخهای شاهنشاهی استخر بفرمان اسکندر^۲ و چپاول خزائن شهر شاهنشاهی از طرف او^۳ و همراهیانش جای شگفت نیست که از کتابها و آثار ادبی و نقاشی های آن زمان که روی پوست و پاپیروس نوشته میشده چیزی مصون نمانده است^۴. هر گاه در کاخهای شاهی که برای پایداری استوار ساخته شده بود اینگونه آثار تمدن از دستبرد آتش و چپاول و قبا چیزی هم بازمیمانند در خانه های گلی و نا استوار مردم پس از آنهمه جنگها و عوامل فنا در امتداد قرون بمراتب مشکاتر بود چیزی بازمیمانند، علت بازماندن سنگنوشته های هخامنشی پس از یست و پنج قرن این بوده که آنها روی سنگ کنده شده بوده و گرنه هر گاه از باد و باران قرون متوالی زیان نمیدید از دستبرد دزدان و غارتگران محفوظ نمیمانند.

۱ - کتابهای دینی زردشتی زمان ساسانیان بعد اسکندر را « ابالش » یا ملعون سر نام داده اند .
۲ - قضیه آتش زدن اسکندر تخت جمشید را که یانوتارک نیز ذکر کرده مدتها افسانه می پنداشتند تا اینکه در ضمن کاوشهای اخیر با اجازه دولت شاهنشاهی ایران از سوی مؤسسه شرقی دانشگاه شیکاگو بریاست استاد برستد امریکائی ، مصر شناس نامی ، و بمدیریت عملیات استاد هرتسفلد آلمانی که تالیفات متعدد و مهم راجع بایران باستان دارد ، حقیقت این امر محقق گردید (برستد، زمانهای قدیم ص ۵۰۱) و خاکسترها و جویهای سوخته که در زیر آواز در مدت ۲۵ قرن پنهان مانده بود کشف شد . رجوع شود بمقاله هرتسفلد « اکتشافات تازه در تخت جمشید » ترجمه رشید یاسمی در مجله مهر ۲:۱ ص ۹۱ و ترجمه مقاله استاد برستد در زیر عنوان « اسرار تخت جمشید » ایضا در مجله مهر ۷:۱ ص ۵۱۳ . رالینسن نیز در کتاب « ساطنت های باستانی » ج ۳ ص ۲۶۸ شرحی راجع به « عمل و حقیقت اسکندر » نوشته است .

۳ - راجع بچپاول خزائن (Diodorus 17:74) و در زبان فارسی بشرح جامع پیرنیا در تاریخ ایران باستان ج ۱ ص ۱۶۳۵ رجوع شود .

۴ - بر طبق مندرجات بندهش بهلوی (تالیف قرن ۸ میلادی) و کتاب ارداویرافنامه (میان قرن ۷ و ۷ میلادی) و نامه تنسر که محتمل است در زمان اردشیر بابکان تالیف شده (چاپ مینوی ص ۶۷ یادداشت شماره ۱۳) و ابن بلخی در فارسنامه (تالیف آغاز قرن ۱۲ میلادی) اسکندر پس از استیلای بر ایران شهر یکی از دو نسخه اوستا را که در ۱۲۰۰۰ پوست گاو نوشته شده بود بیونان برد و نسخه دیگر را با سایر آثار بسوزانید و مؤبدانی را که اوستا را از برداشتند بکشت .

کشف دفترخانه شاهی در خرابه های تخت جمشید

در ضمن کارهای نوین که بتازگی انجام پذیرفته بیگمان
مهمترین آنها کشف کتابخانه ای محتوی سی هزار لوحه در
قسمت شمالی تخت جمشید بوده است . این سی هزار لوحه
از گل پیخته است و روی آنها با خطوط میخی نوشته شده است و خوشبختانه
دستهای ویران کننده بیگانه باینها آسیبی نرسانید

اکنون این لوحه ها در نزد دانشمندان باستانشناس و خبرگان زبان پارسی
قدیم و خط میخی قرار گرفته و دیری نخواهد پاید که بسی معماهای ناپیدا
راجع به تاریخ ایران دوره هخامنشی و شاید علوم و ادبیات آنزمان روشن خواهد
گردید . بادور اندیشی و نگاهبانی دقیقانه کارکنان میهن دوست کشور شاهنشاهی
امید میرود که آثار مهمتری از دل خاک بیرون آورده شده و دوباره روی
آفتاب ایران بیند .